



تقریر درس خارج فقه فرهنگ حضرت استاد آیت الله محسن اراکی دامت برکاته

مقرر	مرتضی اسدیان لایمی	جلسه	۰۶	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۸
عنوان ۱	فصل سوم: مسئولیت متقابل مردم و حاکمیت در قبال فرهنگ اجتماعی ❖ مطلب اول: نقش و مسئولیت در ایجاد یا تقویت یا تضعیف فرهنگ اجتماعی ❖ مطلب دوم: مسئولیت مشترک حاکمیت و مردم ➤ بند اول: تنظیم روابط اجتماعی بر اساس فقه اسلام ➤ بند دوم: لزوم اعمال قدرت در امر به معروف و نهی از منکر				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

مسئولیت مشترک حاکمیت و مردم در قبال فرهنگ اجتماعی حول چند محور اصلی می چرخد. نخست، تنظیم روابط اجتماعی بر اساس «فقه نظام» اسلامی است، نه ارزش های متعالی مبهم، که به صورت قانونمند روابط را در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشخص می کند. فقه به دو بخش «خرد» (شامل باورها، گفتارها و رفتارهای فردی) و «کلان» (مربوط به حکمرانی و رفتارهای کلان) تقسیم می شود و حکمرانی اسلامی بدون فقه نظام ممکن نیست. دوم، لزوم اعمال قدرت در امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه سه مرحله قلبی، لسانی و یدی دارد و مرحله یدی به معنای استفاده از قدرت حاکمیتی برای جلوگیری از منکر و برپایی معروف است. وقتی حاکمیت در دست مسلمانان است، آنان موظف اند از قدرت الهی خود برای اقامه حکم خدا و جلوگیری از مخالفت با او استفاده کنند و در غیر این صورت، به کفر، ظلم و فسق متصف می شوند. عنصر الزام، جزء جدایی ناپذیر امر به معروف و نهی از منکر است و درخواست و لطف جایگزین آن نمی شود. برای مثال، بحث «حجاب اجباری» ناشی از همین مرحله یدی است و در جامعه اسلامی که همگان از حرمت بی حجابی آگاهند، حاکمیت باید با قدرت از این منکر جلوگیری کند. در پایان نیز به وظیفه حاکم معصوم در قیام و تشکیل حکومت هنگامی که ناصر و یاران فراهم باشد، اشاره شده است.

درآمد بحث

پیش از این بیان شد که مسئولیت حاکمیت در ایجاد، تقویت یا تضعیف فرهنگ اجتماعی در چهار مسئولیت کلیدی که در آیه کریمه «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» تبیین شده، خلاصه می گردد.

مطلب دوم: مسئولیت مشترک حاکمیت و مردم

اکنون به «مسئولیت مشترک حاکمیت و جامعه» یا همان مردمی که تحت چتر حاکمیت قرار دارند، در برابر فرهنگ اجتماعی می پردازیم. این مسئولیت های متقابل در چند بند قابل بیان است. مقصود از «مسئولیت متقابل» آن است که

گاهی کنشی از سوی حاکم صورت می‌پذیرد و واکنشی از سوی مردم مورد انتظار است و گاهی نیز کنش از سوی مردم آغاز می‌شود و حاکمیت واکنش دارد.

بند اول: تنظیم روابط اجتماعی بر اساس فقه اسلام

از جمله مسئولیت‌های حاکم، «تنظیم و جهت‌دهی روابط رفتاری و گفتاری جامعه بر اساس ارزش‌های متعالی» است. این روابط در قالب «فقه نظام» تبیین می‌شود. هنگامی که از «نظام» سخن می‌گوییم - اعم از نظام سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی - مرادمان تنظیم روابط مربوطه بر اساس معیارهای فقه اسلامی است. متأسفانه گاه شاهد جایگزینی اصطلاحات مبهمی مانند «ارزش‌های متعالی» به جای «فقه اسلامی» یا «احکام اسلامی» هستیم. ما مسلمانیم و ارزش‌هایمان در شریعت، به صورت قانونمند و تبیین‌شده تعریف شده‌است؛ نه ارزش‌های کلی و مبهم که هرکس به سلیقه خود تفسیر کند. اگر می‌گوییم «بر اساس احکام اسلامی»، یعنی بر اساس حاکمیت اسلامی. برخی هنوز مفهوم حاکمیت خدا را نپذیرفته‌اند. علت اصلی طرح «فقه نظام» این است که فقه نظام، همان قوانینی است که اسلام برای تنظیم روابط رفتاری و گفتاری جوامع و افراد بشر وضع کرده‌است.

پرسشگر: ...

استاد: در حوزه‌ها، برای واژگان علمی - از جمله «فقه» - تعاریف روشنی داریم و وقتی می‌گوییم فقه تعریف آن را «الفقه هو علم بأحكام المكلفين من ادلته التفصيلية» می‌دانیم؛ لذا فقه را به «فقه خرد» (شامل فکر، گفتار و رفتار فردی) و «فقه کلان» (مربوط به حاکمیت و رفتارهای کلان) تقسیم می‌کنیم. فقه خرد فرهنگ، شامل فقه باورها، فقه گفتارها و فقه رفتارهاست. گفتارها را به بیست و دو نوع - از جمله تعلیمی، اظهاری، شعری، تمثیلی - تقسیم و احکام هر یک را بیان کرده‌ایم. اما «فقه کلان» به رفتارهای کلان و حکمرانی می‌پردازد. حکمرانی اسلامی بدون «فقه نظام» ممکن نیست. چگونه می‌توان بدون داشتن فقه نظام اقتصادی، به حکمرانی اقتصادی دست یافت؟ در این صورت ناچاریم مفاهیم را از دیگران عاریه بگیریم.

بند دوم: لزوم اعمال قدرت در امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مصادیق مسئولیت متقابل، اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف سه مرحله دارد: قلبی، لسانی و یدی. مرحله یدی به معنای اعمال قدرت برای جلوگیری از منکر و برپایی معروف است. هنگامی که حاکمیت در دست مسلمانان است، آنان حق ندارند از اعمال قدرت خودداری کنند. قدرت، امانتی الهی است و باید در راه اقامه حکم خدا و جلوگیری از مخالفت با او به کار رود و آیات «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱، «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲ و «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۳ بر این امر تأکید دارند.

۱. سوره مائده: ۴۴.

۲. همان: ۴۵.

۳. همان: ۴۷.

امر به معروف و نهی از منکر، ذاتاً دارای عنصر «الزام» است؛ نه «درخواست» یا «لطف». وقتی به کسی می‌گوییم: «لطفاً فلان منکر را ترک کن»، درحالی‌که او مکلف به ترک آن است، این امر، انحراف از مفهوم امر به معروف است. کسی که امر به معروف می‌کند، در واقع بر منع شده منت می‌نهد؛ نه بالعکس.

این بحث که «حجاب اجباری» نباید باشد، ناشی از عدم درک صحیح از مراحل امر به معروف است. آیا کسی در جامعه‌ای اسلامی هست که نداند بی‌حجابی منکر است؟

همه می‌گویند امر به معروف سه مرتبه دارد: قلبی، لسانی و یدی. یدی یعنی با دستت جلوی او را بگیری، با قدرت؛ اینکه می‌گوید: قدرت خدا فوق قدرت آن است. خدا که دست ندارد، بلکه یعنی اجرا کنی با قدرتی که خدا به تو داده، جلو منکر را بگیری. با قدرتی که خدا به تو داده، معروف را منتشر کنی، برپا کنی. حجاب اجباری یعنی شما باید جلوی آن را بگیری و اگر حاکم نباشی اکتفای به لسان می‌کنید بلکه در زمان ائمه معصومین علیهم السلام که حاکمیت در دست آنان نبود، به مرحله لسانی اکتفا می‌شد؛ اما هنگامی که حاکمیت به دست مسلمانان بیفتد، تکلیف، اعمال قدرت است.

حالا شیوه‌اش در هر جا به جای خود. ولی باید قدرت را اعمال کنی در جلوگیری از منکر. با قدرت باید جلوی منکر بیایی و نهی کنی از منکر.

آیا می‌شود به دزد گفت: آی دزد، خواهش می‌کنم دزدی نکنی؟ آقای قاتل، لطف کنید برای عمل به ارزش‌های اخلاقی نسبت به ارتکاب قتل اجتناب فرمایید. این که نیست. نهی از منکر باید بکنید. وقتی حاکمیت اسلامی برقرار است، باید با اعمال قدرت، از منکر جلوگیری کند.

لذا آیات «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»، «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» بر این امر تأکید دارند که اگر نکنید ارعغان شما فسق و کفر و ظلم است؛ این بیانی است خداوند متعال دارد و این جنگ با خداست؛

عنصر الزام در امر به معروف و نهی از منکر، عنصر مقوم امر به معروف و نهی از منکر است. بحث ارزش‌های اخلاقی و این که خواهش می‌کنم باید لطف کنیم، ببینید این‌ها نیست. من دارم به تو لطف می‌کنم که می‌گویم این کار را نکن. من دارم لطف می‌کنم که از خودم مایه می‌گذارم، می‌آیم و قتم را در اختیار تو قرار می‌دهم، به تو می‌گویم نکن این کار یا بکن این کار را.

آن کسی که که امر می‌کند، امر به معروف می‌کند، نهی از منکر می‌کند، بر آن کسی که منع شده است یا مأمور است، بر او منت دارد. نه او بر این منت داشته باشد که از منکر مثلاً دست برمی‌دارد.

یکی از شرایط این است که تعلیم بدهی. اول بگی که بابا این کار منکر است. اما وقتی خودش می‌داند منکر است، دیگر این چه تعلیمی می‌خواهی بدی؟ می‌داند منکر. کسی هست که الان در این جامعه که نداند که بی‌حجابی منکر است؟ حجاب واجب است؟

پرسشگر: ...

استاد: حاکم معصوم نیز هنگامی که ناصر و یاران کافی بیابد، موظف به قیام و برپایی حکومت است. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «... أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا خُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كُفْلَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أُولِئِهَا وَلَا لَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ

أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةٍ عَنَزٍ...^۱ و آن چنان که سیدالشهدا علیه السلام نیز با دریافت نامه های بیعت، تشکیل حکومت را وظیفه خود دیدند و وقتی قیام آغاز شد، بازگشتی در کار نیست: ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾^۲ لذا اولوالعزم هستند.

و صلی الله علی محمد و آل محمد



۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۳.

۲. سوره آل عمران: ۱۵۹.